

جنگ خلیج‌فارس هنوز پایان نیافته بود، اما حمله زمینی ارتش آمریکا بر ارتش عراق در کویت با قدرت در جریان بود، و شلیک موشک‌های «سکاد» بر اسرائیل تقریباً به طور کامل متوقف شده بود. در مجموع ما دو هفته در اتحاد جماهیر شوروی بودیم. در این مدت با مقامات ارشد، هم در روسیه و هم در جاهای دیگر ملاقات‌ کرم و پایه یک سیستم تجاری با برجا را گذاشتیم که در سال‌های آینده بالغ شد. اما تأسیسات هسته‌ای برای شیرین کردن آب برای من ضروری‌ترین موضوع بود. بعد از این که به اسرائیل بازگشتم فوراً دو کارشناس نمک‌زدایی آب، دانیل هافمن و آمون زفاتی را به اتحاد جماهیر شوروی فرستادم. هر دو آن‌ها در گذشته از مدیران شرکت «مهندسی آب شیرین‌کن» بودند و بعد از اینکه از آن بازنشسته شدند، شرکت جدید «آدان تکنولوژی» را تأسیس کردند و به استفاده از دانش بسیاری که به دست آورده بودند ادامه دادند. از آن دو درخواست کردم داده‌هایی را که دانشمندان

و از طرف دیگر کاهش مداوم منابع آب اسرائیل، تلاش با هدف تأمین آب شیرین به قیمتی که اسرائیل بتواند از عهده آن برآید اهمیت چند برابر و فزاینده‌ای دارد. مطمئناً ما با موافق خواهید بود که ارتقای موضوع آب شیرین‌کن همچنین موجب کمک قابل توجهی به صلح، امنیت و ثبات در منطقه ما خواهد شد.»

من خوشبین بودم. گزارش ایسن هیئت مثبت و امیدوارکننده بود. دو مهندس، که هر دو آن‌ها صاحب تجربه‌ای بیش از بیست و پنج سال در موضوع شیرین کردن آب بودند، نظر دادند که برنامه‌ریزی شوروی، طبق آنچه به آن‌ها ارائه شده است، پیشرفته، خوب و کارآمد است. این مهندسان گفتند «در اتحاد جماهیر شوروی تمایل زیادی به صادرات تجهیزات آب شیرین‌کن برای به دست آوردن ارز خارجی وجود دارد...آ. علی‌رغم جاه طلبی‌های‌شان، آن‌ها فروشنده‌گانی به عنوان عامل پیشرو در بازار جهانی ندارند. دناک تأسیسات آب شیرین‌کن برای اسرائیل یک جهش و تبلیغ بسیار ارزشمند برای

«امید و شکست» خاطر ات سال‌ها فعالیت اطلاعاتی – امنیتی یعقوب نیم‌رودی برای اس‌رائیل – ۲۴

انرژی هسته‌ای برای شیرین کردن آب در پروژه مشترک اسرائیل و مصر



آن‌ها خواهد بود»، و توصیه به ادامه و فعالیت برای شناختن روش شوروی‌ها و ایجاد یک تیم مشترک شوروی – اسرائیلی به منظور طراحی یک برنامه مشترک برای تأسیسات آب شیرین‌کن مناسب برای ادغام با راکتورهای هسته‌ای ساخته شده در اتحاد جماهیر شوروی کردند. همزمان با بازدید مهندسان از اسرائیل، متوجه شدم که امکانات شیرین کردن آب از طریق انرژی هسته‌ای در زمان نه چندان دوری توسط کادر حرفه‌ای شیمون پرز ایجاد کرده بود بررسی شده است نخست‌وزیر سابق به استفاده از انرژی هسته‌ای برای شیرین کردن آب در پروژه مشترک اسرائیل و مصر علاقه‌مند بود. پرز که با حرارت برای پروژه‌های پیشبرنده صلح در منطقه همواره فعالیت می‌کرد، در ذهن داشتند که دو نیروگاه

هسته‌ای – هر دو ساخت شوروی – نزدیک مرز بین‌المللی بین اسرائیل و مصر تأسیس خواهند شد و برای تولید برق شیرین کردن آب استفاده خواهند شد. پرز یک مقام وزارت خارجه، دکتر نمرود نوبیک را به عنوان مسئول بررسی این پروژه منصوب کرد. نوبیک گزارشی که در سال ۱۹۸۹ جمع‌آوری کرد را به من داد، هنگامی که در کنار پرز که وزیر امور خارجه بود کار می‌کرد. این گزارش به تفصیل به راه‌حل‌های اقتصادی بسیار و کمک بسیاری که این تأسیسات به روند صلح در خاورمیانه خواهند کرد اشاره می‌کرد. این دقیقاً نتیجه‌ای بود که من هم دو سال بعد به آن رسیدم.

۱۴ آوریل ۱۹۹۱ با وزیر علوم و انرژی پروفیسور یسوول نعمان و وزیر کشاورزی رافائیل لیتان تماس گرفتم و به آن‌ها درباره تماس‌هایی که برای همکاری اسرائیل-شوروی در استفاده از انرژی هسته‌ای برای تولید برق و کاربرد تکنولوژی پیشرفته برای شیرین کردن آب دریا برقرار کردم، به تفصیل گزارش دادم. از آن‌ها تقاضا هزار پدیوی از اتحاد جماهیر شوروی، تعدادی طرح مهم را آغاز کردم از جمله تلاش برای حل کمبود رو به رشد آب از طریق شیرین کردن آب...آ. در چهارچوب این طرح برای بازدید کاری به اتحاد جماهیر شوروی رفتم. در تماس‌هایم با رئیس آکادمی علوم آشکار شد که در اتحاد جماهیر شوروی تأسیسات آب شیرین‌کن هسته‌ای تأسیس کرده‌اند...آ. که بازده سال با موفقیت کار کرده‌اند. میزبانان من در شوروی، به عنوان مسئول این موضوع در اتحاد جماهیر شوروی، در طرح خود آمادگی‌شان برای تحویل راکتور و تأسیسات آب شیرین‌کن مشابه به ما را اعلام کردند و حتی با من یادداشت تفاهمی در این‌باره امضا کردند...آ. درست دانستم که مورد فوق‌الذکر را به اطلاع شما برسانم و پیافزیم که تا حد زیادی پیشرفت این موضوع به من بستگی خواهد داشت، با لطف خدا همه چیز را با موفقیت انجام خواهم داد. با احترام من فقط تقاضای تأیید شما را دارم.» نخست‌وزیر شامیر به نامه من پاسخ داد.

همان طور که نگارن بودم این موضوع با سرعت به سمت مشکل پیش رفت و در حقیقت در مسیری که من می‌خواستم نبود. در اسرائیل بحث عمومی درباره مسئله استفاده از انرژی هسته‌ای برای تولید برق و شیرین کردن آب دریا مشکل گرفت. نام چرنوبیل به کرات در تیرها عنوان شد و اعضای محیط زیست درباره راکتورهای هسته‌ای که عمدتاً در اتحاد جماهیر شوروی ساخته می‌شد صحبت می‌کردند، که به اندازه کافی مطمئن نیستند و خطر آلودگی برای آبشیرین‌گشت‌ناپذیر به کشورهای منطقه وجود دارد. با این حال اعضای کمیته انرژی انمی اسرائیل برای کاهش آسیب‌ها تلاش کردند و قرار بود پروفیسور یوگنی ولیکف دانشمند ارشد آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی و رئیس بعدی «مؤسسه معتبر کورچاتف» به اسرائیل بیاید. پروفیسور ولیکف که در جلاستی که در مسکو برگزار کردم مشارکت داشت، دعوت شد در رأس نمایندگان ارشد دانشمندان شوروی که مهمان وزارت علوم و انرژی بودند به اسرائیل بیاید. می‌دانستم که این ملاقات برای پیشبرد ایده‌های آب شیرین‌کن که درگیر آن‌ها بودم مفید خواهد بود. دقیقاً بعد از آن، هنگامی که به نظر می‌رسید تمام ایسن پروژه‌ها قابل

علامه محمدتقی مصباح زیدی

انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن– ۸

ماهیت و ویژگی‌های انقلاب اسلامی



موجود و جایگزین نمودن یک نظام جامع و کامل اسلامی به‌جای آن؛ همچنین تلاش برای اجرای مقررات، قوانین و برنامه‌های اسلامی در کلیه شئون زندگی خویش(یعنی امت)»۲ شهید مرتضی مطهری نیز معتقد است که: «انقلاب اسلامی راهی است که هدف آن، اسلام و ارزش‌های اسلامی می‌باشد و انقلاب و مبارزه، تنها برای برقراری ارزش‌های اسلامی انجام می‌گیرد. در این صورت انقلاب اسلامی متفاوت با اسلام انقلابی خواهد بود، زیرا در صورت اخیر، انقلاب و مبارزه هدف خواهد بود و نه وسیله، برخلاف صورت نخست که مبارزه و انقلاب، وسیله است نه هدف.»۳

۳. ماهیت انقلاب اسلامی

شناسایی ماهیت انقلاب اسلامی و تشخیص فصل ممیز آن از سایر انقلاب‌ها مشکل به نظر نمی‌رسد و تفاوت این انقلاب با سایر انقلاب‌های دنیا، در اسلامی بودن آن است. بنابراین، اگر نظامی، آن فصل ممیز و آن مشخصه ماهوی خود را همچنان حفظ کند، می‌توان ادعا کرد که هنوز ماهیت خود را از دست نداده است. ولی اگر این فصل ممیز حفظ نگردد، باید اعتراف کرد که این انقلاب از مسیر اصلی خود خارج و دچار آسیب شده است. از آن‌جا که تنها دینی که برای تمام شئون انسان‌ها، اعم از شئون فردی و اجتماعی و دنیوی

باورقی

Research@kayhan.ir

دستیابی هستند، مشکلات آغاز شدند. از طریق که مشخص نبود این داستان به روزنامه‌ها راه یافت. اولین خبر در ۲۶آوریل ۱۹۹۱ روزنامه در منتشر شد. این خبر تحت عنوان «اسرائیل در حال مذاکره خرید راکتور هسته‌ای برای شیرین کردن آب از اتحاد جماهیر شوروی» که در کل صفحه اول منتشر شد، با دقت بالا درباره تماس‌هایی که من برقرار کردم، هیتی که از اتحاد جماهیر شوری بازدید کرد و ارتباطات فشرده بین اسرائیل و دانشمندان هسته‌ای اتحاد جماهیر شوروی گزارشی داد. این گزارش اشکال زیادی داشت. وزیر علوم و انرژی مجبور شد در برابر حملات روزنامه‌نگاران داخلی و خارجی بایستد. روزنامه‌های عربی هم به این سر و صدا ملحق شدند، و محبوب‌ترین روزنامه مصر الاهرام، در ۱ مه ۱۹۹۱ سرمقاله‌اش را به این موضوع اختصاص داد و به شدت به اتحاد جماهیر شوروی که دواطلب کمک به اسرائیل شده بود و اسرار هسته‌ای خود را به آن‌ها تسلیم کرده بود حمله کرد. این فشار عمومی وزیر یوول نعمان را مجبور کرد توضیحي منتشر کند مبنی بر اینکه اسرائیل اجازه ورود راکتورهای هسته‌ای تولید خارج به این کشور را نخواهد داد، مگر فقط برای توسعه راکتورهای هسته‌ای «ساخت اسرائیل». به خوبی می‌دانستم که معنای این صحبت خفنی کردن برنامه‌های من است، که آن را تنها راه‌حل برای مشکلات آب اسرائیل دیده بودم. در میان طوفان رسانه‌ای با نخست‌وزیر اسحاق شامیر تماس گرفتم و درباره برنامه‌م به او گزارش دادم. «به خاطر تمایل برای اهدای سهم خود و تلاش‌هایم برای پیشرفت اقتصاد اسرائیل به ویژه در چالش بزرگ کنونی برای جذب صدها هزار پدیوی از اتحاد جماهیر شوروی، تعدادی طرح مهم را آغاز کردم از جمله تلاش برای حل کمبود رو به رشد آب از طریق شیرین کردن آب...آ. در چهارچوب این طرح برای بازدید کاری به اتحاد جماهیر شوروی رفتم. در تماس‌هایم با رئیس آکادمی علوم آشکار شد که در اتحاد جماهیر شوروی تأسیسات آب شیرین‌کن هسته‌ای تأسیس کرده‌اند...آ. که بازده سال با موفقیت کار کرده‌اند. میزبانان من در شوروی، به عنوان مسئول این موضوع در اتحاد جماهیر شوروی، در طرح خود آمادگی‌شان برای تحویل راکتور و تأسیسات آب شیرین‌کن مشابه به ما را اعلام کردند و حتی با من یادداشت تفاهمی در این‌باره امضا کردند...آ. درست دانستم که مورد فوق‌الذکر را به اطلاع شما برسانم و پیافزیم که تا حد زیادی پیشرفت این موضوع به من بستگی خواهد داشت، با لطف خدا همه چیز را با موفقیت انجام خواهم داد. با احترام من فقط تقاضای تأیید شما را دارم.» نخست‌وزیر شامیر به نامه من پاسخ نداد.

همان طور که نگارن بودم این موضوع با سرعت به سمت مشکل پیش رفت و در حقیقت در مسیری که من می‌خواستم نبود. در اسرائیل بحث عمومی درباره مسئله استفاده از انرژی هسته‌ای برای تولید برق و شیرین کردن آب دریا مشکل گرفت. نام چرنوبیل به کرات در تیرها عنوان شد و اعضای محیط زیست درباره راکتورهای هسته‌ای که عمدتاً در اتحاد جماهیر شوروی ساخته می‌شد صحبت می‌کردند، که به اندازه کافی مطمئن نیستند و خطر آلودگی برای آبشیرین‌گشت‌ناپذیر به کشورهای منطقه وجود دارد. با این حال اعضای کمیته انرژی انمی اسرائیل برای کاهش آسیب‌ها تلاش کردند و قرار بود پروفیسور یوگنی ولیکف دانشمند ارشد آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی و رئیس بعدی «مؤسسه معتبر کورچاتف» به اسرائیل بیاید. پروفیسور ولیکف که در جلاستی که در مسکو برگزار کردم مشارکت داشت، دعوت شد در رأس نمایندگان ارشد دانشمندان شوروی که مهمان وزارت علوم و انرژی بودند به اسرائیل بیاید. می‌دانستم که این ملاقات برای پیشبرد ایده‌های آب شیرین‌کن که درگیر آن‌ها بودم مفید خواهد بود. دقیقاً بعد از آن، هنگامی که به نظر می‌رسید تمام ایسن پروژه‌ها قابل

حاصل خواهد کرد این خواهد بود:
FUCK YOU HO CHI MINH
او با تلخی نظاره‌گر از هم پاشیدن آمریکایی بود که می‌شناخت. استفاده از انرژی هسته‌ای برای تولید برق و شیرین کردن آب دریا مشکل گرفت. نام چرنوبیل به کرات در تیرها عنوان شد و اعضای محیط زیست درباره راکتورهای هسته‌ای که عمدتاً در اتحاد جماهیر شوروی ساخته می‌شد صحبت می‌کردند، که به اندازه کافی مطمئن نیستند و خطر آلودگی برای آبشیرین‌گشت‌ناپذیر به کشورهای منطقه وجود دارد. با این حال اعضای کمیته انرژی انمی اسرائیل برای کاهش آسیب‌ها تلاش کردند و قرار بود پروفیسور یوگنی ولیکف دانشمند ارشد آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی و رئیس بعدی «مؤسسه معتبر کورچاتف» به اسرائیل بیاید. پروفیسور ولیکف که در جلاستی که در مسکو برگزار کردم مشارکت داشت، دعوت شد در رأس نمایندگان ارشد دانشمندان شوروی که مهمان وزارت علوم و انرژی بودند به اسرائیل بیاید. می‌دانستم که این ملاقات برای پیشبرد ایده‌های آب شیرین‌کن که درگیر آن‌ها بودم مفید خواهد بود. دقیقاً بعد از آن، هنگامی که به نظر می‌رسید تمام ایسن پروژه‌ها قابل

در سال ۱۹۷۶، نمایش‌نامه‌ای درباره آلگر هیس نوشت که در مرکز کندی به روی صحنه رفت. او بعدها در جنوب فرانسه بازنشسته شد.
ایروینگ کریستول به همراه دنیل بل، مجله «پابلیک اینترنست» را تأسیس کرد و در سال ۱۹۶۹ به عنوان «استاد «ارزش‌های شهری» در کرسی

جان هانت، طبق برنامه، در پایان سال ۱۹۶۸ از انجمن بین‌المللی آزادی فرهنگی کناره‌گیری کرد.
در مراسمی محرمانه روی یک خانه شناور در رود سن، مدالی از سازمان سیا به پاس خدماتش به او اهدا شد. سپس به‌عنوان معاون اجرایی در مؤسسه سالک در کالیفرنیا مشغول به کار شد.
در سال ۱۹۶۹، هانت به جوسلسون نوشتت پلاکاردی که در رژه کریسمس

در سال ۱۹۸۱، ایروینگ کریستول یک «نامه سرگشاده به پنتاگون» نوشت و در آن ابراز تأسف کرد که سربازان آمریکایی در هنگام یخش سرود ملی به‌طور مناسب خبردار نمی‌ایستند. او خواستار برقراری مجدد «رژه‌های نظامی صحیح» شد زیرا «هیچ چیز مانند یک رژه نمی‌تواند احترام مردم به ارتش را برانگیزد.»

بی‌توجهی سربازان به سرود ملی آمریکا



کرد و به عنوان «قدیس حامی راست نوین» لقب گرفت.

نوشته‌هایش بیش از پیش نشان می‌داد که چگونه این رادیکال جوان، به مرور زمان به مرجعی بدخلق تبدیل شده بود که با جهانب پیرامون خود – بی‌بند و باری جنسی، چنددستگی فرهنگی، مادران دریافت‌کننده کمک‌های اجتماعی و دانشجویان حال به‌هم‌زن – سر ناسازگاری داشت.

او نیز مانند لاسکی و بسیاری دیگر، به «انسان قرن بیستمی» آرتور کاستلر تبدیل شده بود: «یک روان رنجور سیاسی که پرده آهنین شخصی خود را درون جملعه‌اش حمل می‌کند.»
در سال ۱۹۸۱، ایروینگ کریستول یک «نامه سرگشاده به پنتاگون» نوشت و در آن ابراز تأسف کرد که سربازان

نیرنگ‌بازی روی می‌گرداند. در واقع آنان وظیفه خود می‌دانند که آگاهی‌های مردم، رشد فکری، عقلانی، و فرهنگی آنان را افزایش دهند.
ج – تلاش در تحکیم عقاید حقه به‌منظور استکمال معنوی آدمیان، انقلابیون، نخست سعی در ایجاد یا تحکیم و تقویت عقاید حقه در مردم می‌کنند و سپس از آن عقاید حقه در جهت مقاصد انقلاب بهره می‌جویند.

رهبران این انقلاب، برخلاف رهبران سایر انقلاب‌ها، از هر عقیده‌ای، اگرچه نادرست و خلاف واقع، برای خدمت به انقلاب، استفاده نمی‌کنند. آنان با تحریک و تهییج شدید، احساسات و عواطف غیرعقلانی مردم را بر سر فعالیت‌های خود حاکم نمی‌سازند؛ بلکه احساسات و عواطف را محکوم و تابع احکام، ادراکات عقل و آرا و عقاید صحیح می‌گرداند و آن‌گاه از آنها برای کامیاب ساختن انقلاب و محقق کردن اهداف آن سود می‌برد. به همین دلیل، ترویج و اشاعه بینش‌ها و ارزش‌های اسلامی، که هم صحیح و مطابق واقعند و هم آمادگی شگرفی برای ایثار، فداکاری، و جان‌فشانی در مردم پدید می‌آورند، از جمله برنامه‌های رهبران این انقلاب است.

د – تأکید بر تبیین دقیق اهداف

رهبران انقلاب اسلامی، همچنین، بر تعیین صریح و دقیق اهداف و مقاصد انقلاب، تأکید آشکاری دارند. از این رو، همواره اعلام می‌کنند که اغراض ملت‌گرایانه، وطن‌پرستانه، نژادپرستانه و از این قبیل را دنبال نمی‌کنند و فقط در پی حق و عدالتند، و حال آنکه رهبران سایر انقلاب‌ها چه بسا اهداف و مقاصد خود را در پرده ابهام و ابهام پوشیده می‌دارند، تا به‌این وسیله هیچ دسته‌ای از مردم را از خود نرانند و همه را با خود و در کنار خود داشته باشند و نظام حاکم را سریع‌تر و زودتر اسقاط کنند و انقلاب را به پیروزی رسانند. رهبران انقلاب اسلامی، در عین حال که خبرخواه همه مردم هستند و منافع و مصالح جمیع افراد جامعه را، در تمام ابعاد و وجوهش، می‌خواهند؛ اهداف خود را به‌صورت آشکار صریحاً معلوم می‌دارند تا ارزش‌های حق و ارزش‌های باطل برآمیخته نگردد و مردم به گمراهی و بیراهه نیفتند.

هم‌راهِ پیروزی انقلاب به هم عناصر و نیروهای انقلابیون برای این‌که همه عناصر و نیروهای کارآمد و سوهمند را بشناسند و جذب کنند، بسیار

شناسایی ماهیت انقلاب اسلامی و تشخیص فصل ممیز آن از سایر انقلاب‌ها مشکل به نظر نمی‌رسد و تفاوت این انقلاب با سایر انقلاب‌های دنیا، در اسلامی بودن آن است. بنابراین، اگر نظامی، آن فصل ممیز و آن مشخصه ماهوی خود را همچنان حفظ کند، می‌توان ادعا کرد که هنوز ماهیت خود را از دست نداده است. ولی اگر این فصل ممیز حفظ نگردد، باید اعتراف کرد که این انقلاب از مسیر اصلی خود خارج و دچار آسیب شده است.

صفحه ۱۰

دوشنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۵

۲۶ صفر ۱۴۴۸ – شماره ۲۴۲۰۷

آمریکایی در هنگام پخش سرود ملی به طور مناسب خبردار نمی‌ایستند. او خواستار برقراری مجدد «رژه‌های نظامی صحیح» شد زیرا «هیچ چیز مانند یک رژه نمی‌تواند احترام مردم به ارتش را برانگیزد.»

با نگاه به گذشته مداخله سازمان سیا در سیاست فرهنگی، اظهار داشت: «گذشته از این واقعیت که به نظر می‌رسد سازمان سیا، به‌عنوان یک سازمان مخفی، تا حد فوق‌العاده‌ای مملو از آدم‌های وراج و اصلاح‌ناپذیر است، دلیلی ندارم که بیش از، مثلاً، اداره پست از آن متغیر باشم.»
او درباره مجله «انکانتز» نتیجه‌گیری کرد: «به نظر من جلب استنه مجله بریتانیایی که در آن زمان ارزش خواندن داشت توسط سازمان سیا تأمین مالی می‌شد و بریتانیایی‌ها باید خیلی هم به خاطر این موضوع سیاست‌گذار باشند.»
ملوین لاسکی تا زمان تعطیلی مجله «انکانتز» در سال ۱۹۹۰ سردبیر آن باقی ماند.

در آن زمان، دیگر کمتر کسی حاضر بود که به بزگی از آن یاد کند.
در سال‌های پایانی، «انکانتز اغلب به کاریکاتوری از خود پیشینش می‌ماند.»^(۳) مجله‌ای که رفته‌رفته به آتش‌افروز جنگ سرد بدل گشت و پیوسته بر آتش جنگ سرد می‌دمید^(۴) و هشدارهای جدی درباره خطرات خلع سلاح هسته‌ای می‌داد.

فردیناند ماونست، سردبیر محافظه‌کار نشریه سایمز لیتربی ساپلینمت، یادداشتی پایانی درباره دستاوردهای انکانتز نوشت و ملوین لاسکی را «پیامبری بی‌همتا که در سرزمین تبعی خود ناشناخته ماند»^(۵) توصیف کرد.

اما این ستایش تنها^(۶)، تأثیر چندانی بر کسانای نداشت که معتقد بودند لاسکی شاید بهتر بود در خانه‌اش^(۷) می‌ماند.

پانوشته‌ها:

۱- هوشی مینه رهبر انقلابی وینتام، نماد کمونیسم و شکست آمریکا در ویتنام.
۲- شاید منظور این است که او دیگر لیرال آرمان‌گرا نیست.
۳- در جنگ‌افروزی علیه کمونیسم از اعتدال خارج شد.
۴- یعنی مدام از خطر کمونیسم گفتم، تنش‌های جنگ سرد را زنده نگه داشتن و علیه شوروی و کمونیسم سخن‌برانی کردن.
۵- لوین لاسکی آلمانی تبار بود، اما به آمریکا مهاجرت کرد و انضا را برای زندگی انتخاب کرد. پس آمریکا «سرزمین تبعی» اوست، در مقابل «وطن اصلی» (آلمان). بهتر بود در خانه خود می‌ماند، بهتر بود در سرزمین مادری خود در آلمان می‌ماند.
۶- بکه و انفرادی، در برابر جمعی و وطن خویش آلمان

جدی هستند چرا که انقلاب را برای به قدرت رسیدن یک فرد یا گروه یا قشر نمی‌خواهند، بلکه مقصود آنان این است که جمیع افراد، گروه‌ها، و قشرها رشد یابند و به مصالح حقیقی خود برسند. البته، برای رشد عناصر و نیروهای مؤثر و مفید، از هیچ‌یک از اصول و مبانی تشریف انقلاب نیز عدول نمی‌کنند.

و – عدم اتکا به بیگانگان

افراد انقلابی هرگز به بیگانگان اتکا و اتکال ندارند (لازم به تذکر است که مقصود از «بیگانه» در این‌جا، فقط جامعه‌ها، کشورها، اقوام و ملی هستند که با دین اسلام و اهداف و مقاصد والای انقلاب اسلامی دشمنی وسنز دارند) زیرا تبری از دشمنان اسلام، درمیان یافتن تولی با دوستان این دین مقدس، از اصول ایدئولوژی این مکتب است. از این رو، این انقلاب فقط بر عناصر و نیروهای خودی و دوست تکیه دارد و قائم به خود و مستقل است.

ز – ثبات قوانین و مقررات

چون این نوع انقلاب مبتنی بر اسلام است که دارای یک سلسله قوانین و احکام ارزشی و حقوقی و ثبات و لایتنجری است، نیاز ندارد که در هر مسئله مشکلی از مردم یا صاحب‌نظران و کارشناسان، رأی‌جویی و نظرخواهی کند. از این‌رو، هیچ فرد یا گروه یا قشری، نمی‌تواند در این انقلاب طمع داشته باشد که با تغییر احکام و مقررات حقوقی و اجتماعی منافع خصوصی خود را تأمین و تضمین کند. این دو عامل در حفظ ثبات و بقای انقلاب، پس از پیروزی آن، سخت مؤثرند.

ح – رعایت مصالح متغیر

ثبات ارزش‌ها و قوانین بنیادی به هیچ‌وی، مانع از تأمین مصالح متغیر و موسمی نمی‌شود، بلکه بر اساس همان ارزش‌های ثابت، مقررات خاص و جزئی وضع می‌شود و به‌وسیله آن مصلحت‌ها و نیازهای متغیر تأمین می‌گردد.

ط – برخورداری حاکمیت از پشتوانه ثابت
حاکمیت رهبر و زمامدار این انقلاب، بویژه از دیدگاه مذهب تشیع، شاعی ازحاکمیت ولیّ اعظم الهی، و در مرتبه بالاتر، شاعی از حاکمیت خدای متعال است. این امر ثبات و بقای دستگاه حاکمی را ضمانت می‌کند.

ی – پرهیزدنی از امدادهای غیبی
این مؤلفه از همه ویژگی‌های پیش‌گفته مهم‌تر است و با محاسبات علمی و تجربی، محاسبه نمی‌شود. بر اساس این مؤلفه خدای امدادگر امدادهای غیبی خود را بر کسانای که صداقت و مخلصانه این انقلاب را باری کنند، فرومی‌فرستد و آنان را شکست‌ناپذیر می‌گرداند.

پانوشته‌ها:

۱- مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۱۱۰.
۲- کلیت صدفی، نهفت‌های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران، ص ۴۹.
۳- مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۴۵.